

مقاله‌ی پژوهشی

خوش‌بینی-بدبینی و سبک‌های پردازش اطلاعات به عنوان
پیش‌بین‌های افسردگی و رضایت از زندگی

خلاصه

مقدمه: هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی بین خوش‌بینی-بدبینی و سبک‌های پردازش اطلاعات و همچنین تعیین سهم این متغیرها در پیش‌بینی افسردگی و رضایت از زندگی دانشجویان بود.

روش کار: در این مطالعه‌ی همبستگی و پیش‌بینی، ۱۸۷ نفر (۱۱۰ زن و ۷۷ مرد) از دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه‌ی دانشگاه پیام نور مرکز تبریز به صورت تصادفی با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های سبک‌های پردازش اطلاعات، افسردگی، خوش‌بینی-بدبینی و رضایت از زندگی را تکمیل نمودند. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی همزمان یا استاندارد استفاده شد.

یافته‌ها: بین سبک‌های پردازش اطلاعات خردگرایی و خوش‌بینی با افسردگی، همبستگی منفی و معنی‌داری وجود دارد ولی رابطه‌ی بین خردگرایی و خوش‌بینی با رضایت از زندگی مثبت و معنی‌دار بود ($P < 0/01$). رابطه‌ی بین رضایت از زندگی و افسردگی، منفی و معنی‌دار ولی بین خوش‌بینی و خردگرایی مثبت و معنی‌دار بود ($P < 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی همزمان نشان داد که متغیرهای خوش‌بینی و خردگرایی پیش‌بین‌های معنی‌داری برای افسردگی و رضایت از زندگی هستند. این متغیرها در پیش‌بینی افسردگی ارزش بتای منفی ولی در پیش‌بینی رضایت از زندگی ارزش بتای مثبت داشتند. سهم خوش‌بینی در پیش‌بینی هر دو اندازه‌ی سازگاری روان‌شناختی، بیشتر از سبک پردازش اطلاعات خردگرایی بود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر بر اهمیت خوش‌بینی و سبک پردازش اطلاعات خردگرایی در درک سازگاری روان‌شناختی تاکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: افسردگی، اطلاعات، پردازش، رضایت شخصی

اکبر رضائی

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

علی محمدزاده

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

عزت‌اله قدم‌پور

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه لرستان،

خرم‌آباد

رسول کردنوقایی

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه بوعلی

سینا، همدان

*مؤلف مسئول:

ایران، تبریز، خیابان مشروطه، دانشگاه پیام

نور مرکز تبریز، گروه روان‌شناسی

akbar_rezaei@pnu.ac.ir

تاریخ وصول: ۹۱/۷/۸

تاریخ تایید: ۹۲/۲/۲۲

پی‌نوشت:

این مطالعه پس از تایید و با حمایت مالی شورای پژوهشی دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی انجام شده و با منافع نویسندگان ارتباطی نداشته است. از ریاست محترم شورای پژوهشی و مسئولان دانشگاه هم‌چنین از همکاری دانشجویان شرکت‌کننده، سپاس‌گزاری می‌گردد.

Original Article

Optimism-pessimism and information processing styles as predictors of depression and life satisfaction

Abstract

Introduction: The purpose of the present study was to investigate the relationship between optimism- pessimism and information processing styles; also, determining the contribution of these variables in the prediction of depression and life satisfaction in students.

Materials and Methods: This investigation is a correlation and prediction study. 187 students of humanity and basic sciences (110 females and 77 males) from Payam-e-Noor University-Tabriz branch were randomly selected, with using stratified and multiple stage cluster sampling method. Information processing styles, depression, optimism-pessimism and life satisfaction questionnaires were completed by these students. The Pearson's correlation test and Simultaneous or Standard multiple regression analysis were used to analyze the collected data.

Results: The results showed that there was negative and meaningful correlation between rationality information processing styles and optimism with depression, but the relationship between rationality and optimism with life satisfaction was positive and meaningful ($P<0.01$). There was negative and meaningful correlation between life satisfaction and depression, but relationship between rationality and optimism was positive and meaningful ($P<0.01$). The results of simultaneous multiple regression analysis showed that optimism and rationality variables were significant predictors for depression and life satisfaction. These variables in prediction of depression had a negative Beta value, but in prediction of life satisfaction had a positive Beta value. The contribution of optimism in prediction both of psychological adjustment measures was more than rationality information processing style.

Conclusion: The present findings emphasized on the importance of optimism and rationality information processing style in the psychological adjustment understanding.

Keywords: Depression, Information, Personal satisfaction, Processing

**Akbar Rezaei*

Associate professor of psychology, Payam-e-Noor University

Ali Mohammadzadeh

Assistant professor of psychology, Payam-e-Noor University

Ezzatollah Ghadampour

Assistant professor of psychology, Lorestan University, Khorramabad

Rasool Kord Noghabi

Associate professor of psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan

***Corresponding Author:**

Payam-e-Noor University of Tabriz, Mashrooteh St., Tabriz, Iran

akbar_rezaei@pnu.ac.ir

Received: Sep. 29, 2012

Accepted: May. 12, 2013

Acknowledgement:

This study was approved and financially supported by the research committee of Payam-e-Noor University of East Azarbaijan Province. The authors had no conflict of interest with the result.

Vancouver referencing:

Rezaei A, Mohammadzadeh A, Ghadampour E, Kord Noghabi R. Optimism-pessimism and information processing styles as predictors of depression and life satisfaction. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2013; 15(3): 184-93.

مقدمه

در سال‌های اخیر مفاهیم خوش‌بینی و بدبینی علایق پژوهشی زیادی در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی، شخصیت و بالینی برانگیخته است (۱). خوش‌بینی یک انتظار کلی است حاکی از این که در آینده، بیشتر رویدادهای خوب اتفاق خواهند افتاد تا رویدادهای بد. بر اساس نظر شیر^۱ و کارور^۲ خوش‌بینی و بدبینی، انتظار پیامدهای مثبت و منفی تعمیم‌یافته در نظر گرفته می‌شوند و این متغیرها، تفاوت‌های فردی نسبتاً ثابت موثر در افزایش یا کاهش بهزیستی روان‌شناختی را بازنمایی می‌کنند. به طور خاص آن‌ها اعتقاد دارند که خوش‌بینی با پیامدهای مثبت ارتباط دارد و فرد را به طرف چنین پیامدهایی سوق می‌دهد. در حالی که بدبینی با پیامدهای منفی مرتبط است و به آن پیامدها منجر می‌شود (۴-۲). شیر و همکاران استدلال می‌کنند که افراد خوش‌بین در رویارویی با دشواری‌ها به دنبال کردن هدف‌های باارزش خود ادامه می‌دهند و با به‌کارگیری راهبردهای کنار آمدن موثر، حالت‌های شخصی خودشان را تنظیم می‌کنند تا این که بتوانند به هدف‌های خود برسند. نتایج پژوهش‌ها نیز حاکی از آن است که در کل خوش‌بینی و بدبینی به ترتیب با سازگاری و ناسازگاری روان‌شناختی ارتباط دارند. خوش‌بینی با شاخص‌های اختلالات روانی شخص به طور کلی و با افسردگی موجود فرد به طور خاص، همبستگی منفی دارد. هم‌چنین خوش‌بینی، پیش‌بین معتبری برای سلامت جسمانی و روانی از جمله خلق مثبت، پاسخ مثبت به مداخله‌های پزشکی، نیرومندی ایمن‌شناختی^۳، کنار آمدن موثر و رفتار ارتقادهنده‌ی سلامت می‌باشد (۱۴-۵).

در دهه‌های اخیر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های پردازش اطلاعات نیز تعیین‌کننده‌های مهم سازگاری روان‌شناختی هستند. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که دو نوع سبک پردازش در افراد وجود دارد (۱۷-۱۵). چنین الگوهایی اغلب الگوهای پردازش دوگانه^۴ نامیده می‌شوند. اگر چه الگوهای متعددی در این زمینه وجود دارد، با این حال

در سال‌های اخیر اپستین^۵ و همکارانش، نظریه شخصی شناختی-تجربه‌گرایی^۶ را مطرح کرده‌اند (۲۰-۱۸). بر اساس نظریه‌ی شخصی شناختی-تجربه‌گرایی، دنیا از طریق دو نظام پردازش اطلاعات در افراد مفهوم‌سازی می‌شود: خردگرایی^۷ و تجربه‌گرایی^۸ یا شهودگرایی^۹. اگر چه انسان‌ها ممکن است از هر دو سبک بهره‌مند شوند اما آن‌ها مستقل از هم هستند (۲۱). سبک خردگرایی سطوح بالایی از منابع شناختی را می‌طلبد و بیشتر کلامی، تحلیلی، آگاهانه و نسبتاً کند است که از طریق قوانین منطقی استنتاج عمل می‌کند. این نظام، رفتارها را از طریق ارزیابی آگاهانه‌ی رویدادها میانجیگری می‌کند. در مقابل، سبک تجربه‌گرایی یا شهودگرایی، فطری و انطباقی است و به ما این امکان را می‌دهد تا از تجربه یاد بگیریم. این نظام رفتارها را از طریق رمزگردانی پیامدهای قبلی، به ویژه آن تجاربی که بار هیجانی دارند، از طریق اجتناب از هیجانات منفی و تسهیل هیجانات مثبت، تحت تاثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نظام تجربه‌گرایی، ناآگاهانه، خودکار، بدون تلاش، شهودی و نسبتاً سریع و مرتبط با روابط بین شخصی و هیجانی است و بر طبق اصول اکتشافی عمل می‌کند. پردازش اطلاعات خردگرایی از طریق جستجوی فعال دانش به ویژه از طریق آموزش رسمی گسترش می‌یابد، در حالی که پردازش تجربه‌گرایی یا شهودگرایی از طریق تجارب زندگی گسترش می‌یابد (۱۸).

رفتار افراد هم از طریق تعامل این دو نظام پردازش خودکار و کنترل‌شده تحت تاثیر قرار می‌گیرد. برنز^{۱۰} و د-زوریل^{۱۱} رابطه‌ی معنی‌داری بین سبک‌های پردازش اطلاعات و اندازه‌های روان‌شناختی از جمله رضایت از زندگی و نشانه‌های افسردگی گزارش کرده‌اند (۲۲).

با توجه به این که الگوهای سبک‌های پردازش اطلاعات، فرایندهای شناختی را منعکس می‌کنند که ممکن است با فرایندهای شناختی حاصل از خوش‌بینی و بدبینی اشتراکاتی

⁵Epstein⁶Cognitive Experiential Self Theory⁷Rationality⁸Experientiality⁹Intuitive¹⁰Burns¹¹D'Zurilla¹Scheier²Carver³Immunological⁴Dual Process Models

داشته باشند و این که خوش‌بینی و بدبینی و هم‌چنین الگوهای سبک‌های پردازش اطلاعات به طور معنی‌داری با شاخص‌های مشابه سازگاری مرتبط می‌باشند، از این رو تعیین میزان تأثیرات خوش‌بینی و بدبینی بر سازگاری به صورت جداگانه و هم‌چنین همراه با تأثیرات سبک‌های پردازش اطلاعات بر سازگاری روان‌شناختی می‌تواند اهمیت داشته باشد. به طور مشخص هدف پژوهش حاضر این است که ارتباط بین خوش‌بینی و بدبینی، الگوهای سبک‌های پردازش اطلاعات و سازگاری روان‌شناختی (افسردگی و رضایت از زندگی) را مشخص نموده و تعیین نماید سهم هر یک از متغیرهای خوش‌بینی و بدبینی و الگوهای سبک‌های پردازش اطلاعات در پیش‌بینی افسردگی و رضایت از زندگی دانشجویان چقدر است؟

روش کار

روش تحقیق حاضر از نوع همبستگی و پیش‌بینی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را تمام دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه‌ی دانشگاه پیام نور مرکز تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ تشکیل می‌دادند. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای چندمرحله‌ای به شیوه‌ی تصادفی تعداد ۱۸۷ دانشجو (۱۱۰ دختر و ۷۷ پسر) به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شدند. اخلاق پژوهش در این مطالعه کاملاً رعایت گردید به گونه‌ای که به مشارکت‌کنندگان در زمینه‌ی محرمانه ماندن اطلاعات، اطمینان خاطر داده شد و آن‌ها با رضایت کامل، پرسش‌نامه‌ها را در محیطی آرام و بدون ذکر نام تکمیل کردند. برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد نظر از پرسش‌نامه‌های سبک‌های پردازش اطلاعات، خوش‌بینی-بدبینی، افسردگی بک و هم‌چنین پرسش‌نامه‌ی رضایت از زندگی استفاده شد.

الف- پرسش‌نامه‌ی سبک‌های پردازش اطلاعات: پاسینی^۱ و اپستین در سال ۱۹۹۹ پرسش‌نامه‌ی خردگرایی- تجربه‌گرایی^۲ (REI) را برای سنجش ترجیحات افراد در سبک‌های پردازش اطلاعات توسعه دادند (۲۰). این پرسش‌نامه شامل ۲۲ سؤال است و از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود تا عقاید خودشان

درباره‌ی هر سؤال یا ماده را بر روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرتی (۱ = کاملاً مخالفم و ۵ = کاملاً موافقم) مشخص کنند. در این پرسش‌نامه برخی از سؤالات پرسش‌نامه به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. رضایی در سال ۱۳۹۱ با استفاده از تحلیل عاملی، دو عامل را در این پرسش‌نامه شناسایی کرد (۲۳). این دو عامل بر اساس محتوای سؤالات تحت پوشش شهودگرایی یا تجربه‌گرایی و خردگرایی نام‌گذاری شده است. مقیاس خردگرایی یا نیاز برای شناخت به میزانی که افراد از فعالیت‌های شناختی لذت می‌برند، درگیر می‌شوند یا دوست دارند و یا اجتناب می‌کنند، اشاره دارد. مقیاس تجربه‌گرایی یا شهودگرایی (ایمان به شهود) برای سنجش اعتماد به احساسات درونی و برداشت‌های فوری و بی‌واسطه به عنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری و عمل، گسترش یافته است. تحقیقات انجام گرفته با این پرسش‌نامه به صورت همخوان نشان داده‌اند که هر دو مقیاس این پرسش‌نامه از همسانی درونی ($\alpha > 0.85$) و بازآزمایی ($r > 0.76$) خوبی برخوردارند (۲۵، ۲۴، ۲۰). اسلادک^۳، بوند^۴ و فلیس^۵ نیز در سال ۲۰۱۰ پایایی همسانی درونی یعنی آلفای کرونباخ ۰/۹۰ برای مقیاس خردگرایی و ۰/۸۴ برای مقیاس تجربه‌گرایی را گزارش کرده‌اند (۲۶). در پژوهش حاضر، ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای ۱۱ سؤال خرده‌مقیاس شهودگرایی برابر ۰/۷۷ و برای ۱۱ سؤال خرده‌مقیاس خردگرایی برابر ۰/۸۰ به‌دست آمد.

ب- پرسش‌نامه‌ی خوش‌بینی-بدبینی: این پرسش‌نامه شامل ۳۰ سؤال است (۲۷). در این پژوهش ابتدا سؤالات این پرسش‌نامه توسط یکی از همکاران در حوزه‌ی روان‌شناسی و یک مترجم زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شدند. بعد از این کار، ترجمه‌ها مورد مقایسه قرار گرفتند. برای هر سؤال، بیاناتی که به بهترین صورت آن سؤال را بازنمایی می‌کرد، انتخاب شد. سپس پرسش‌نامه بر روی ۵۰ دانشجوی دانشگاه به صورت آزمایشی اجرا شد و قابلیت فهم سؤالات و اشکالات احتمالی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت پس از این که هم‌ترازی نسخه‌ی فارسی پرسش‌نامه با نسخه‌ی

³Sladek

⁴Bond

⁵Philip

¹Pacini

²Rational- Experiential Inventory

اصلی مورد پذیرش قرار گرفت، نسخه‌ی نهایی جهت اجرا آماده شد. در این پرسش‌نامه دانشجویان بر اساس مقیاس سه درجه‌ای به سؤالات پاسخ دادند. پاسخ‌ها برای سؤالات مختلف، متفاوت بود و برای هر پاسخ (ب) ۲ امتیاز و پاسخ (ج) ۱ امتیاز اختصاص می‌یافت و پاسخ (الف) امتیازی نداشت. نمونه‌ای از سؤالات این پرسش‌نامه عبارت‌اند از: آیا عقیده دارید که اگر دری بسته شود، در دیگری باز می‌شود؟ (الف) خیر، زندگی آن‌قدرها ساده نیست، (ب) بله، (ج) گاهی اوقات. افرادی که در این پرسش‌نامه، نمره‌ی بالایی می‌گیرند همیشه دیدی خوش‌بینانه در زندگی دارند و انتظار دارند که اتفاق خوبی برای آن‌ها پیش بیاید.

این افراد همیشه جنبه‌ی مثبت و روشن آن‌چه را که روی می‌دهد می‌بینند. نمره‌ی پایین در این پرسش‌نامه نشانگر بدبینی فرد است و به این معنی است که دیگران او را فردی منفی می‌بینند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای این مقیاس برابر ۰/۶۷ به دست آمد.

ج- پرسش‌نامه‌ی افسردگی بک^۱ (BDI): پرسش‌نامه‌ی افسردگی بک شامل ۲۱ سؤال است که علایم جسمانی، رفتاری و شناختی افسردگی را مورد سنجش قرار می‌دهد. در این پرسش‌نامه هر یک از سؤالات ۴ گزینه دارند. برای هر گزینه، پایین‌ترین نمره، صفر و بالاترین نمره، سه در نظر گرفته می‌شود، بنا بر این کمترین نمره‌ای که به دست می‌آید صفر و بیشترین نمره ۶۳ است. این پرسش‌نامه در سال ۱۹۶۱ توسط بک و همکاران تدوین شد و در سال ۱۹۷۱ مورد تجدید نظر قرار گرفت و در سال ۱۹۷۸ منتشر شد. بک، استیر^۲ و گاربین^۳ در سال ۱۹۸۸ پایایی این پرسش‌نامه را در دامنه‌ای از ۰/۷۳ تا ۰/۹۳ و بسکر^۴ و همکارانش در سال ۲۰۰۷ ضریب آلفای کرونباخ یا همسانی درونی ۰/۹۶ و پایایی بازآزمایی ۰/۸۲ را گزارش کرده‌اند (۲۸، ۲۹). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برای سؤالات این مقیاس به دست آمد.

د- پرسش‌نامه‌ی رضایت از زندگی: این پرسش‌نامه شامل ۲۵ سؤال است (۲۷) و دانشجویان بر اساس مقیاس سه درجه‌ای به سؤالات پاسخ دادند. پاسخ‌ها برای سؤالات مختلف، متفاوت بود و برای هر پاسخ (ب) ۲ امتیاز، پاسخ (ج) صفر امتیاز و پاسخ (الف) یک امتیاز اختصاص می‌یافت. نمونه‌ای از سؤالات این پرسش‌نامه عبارت‌اند از: آیا اغلب احساس می‌کنید از خودتان خشنود هستید؟ (الف) گاهی اوقات، (ب) اغلب، (ج) به ندرت یا هرگز. افرادی که در این پرسش‌نامه، نمره‌ی بالایی می‌گیرند از زندگی خود، راضی هستند و بنابراین احتمالاً شادمان بوده و با درون خود آشتی کرده‌اند. نمره‌ی پایین در این پرسش‌نامه نشانگر عدم رضایت از زندگی است. بیانی، محمد کوچکی و گودرزی در سال ۱۳۸۶ پایایی مقیاس رضایت از زندگی را در جامعه‌ی آماری متشکل از ۱۰۹ نفر از دانشجویان مورد بررسی قرار دادند و پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ به دست آمد (۳۰). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ برای سؤالات مقیاس رضایت از زندگی گزارش گردید. در این پژوهش بعد از کسب مجوز لازم از مسئولان مربوطه، ابتدا پرسش‌نامه‌ها در یک مقیاس کوچک‌تر به صورت مقدماتی اجرا شدند و قابلیت فهم، اشکالات سؤالات و ضرایب پایایی مقیاس‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند. بلافاصله بعد از اجرای مقدماتی و رفع ابهامات و اشکالات، اجرای اصلی بر اساس دستورالعمل‌های مربوط بر دانشجویان گروه نمونه در شرایط یکسان صورت گرفت.

نتایج

این مطالعه‌ی همبستگی بر روی ۱۸۷ دانشجوی علوم انسانی و علوم پایه‌ی دانشگاه پیام نور مرکز تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ انجام گرفت. ۱۱۰ نفر از دانشجویان دختر و ۷۷ نفر پسر بودند. میانگین سنی دانشجویان ۲۳ سال و ۶ ماه با انحراف معیار ۵/۶۴ سال بود. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش از روش‌های آماری آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. در جدول ۱ نتایج آزمون همبستگی صفر مرتبه‌ی دو به دوی متغیرهای پژوهش حاضر ارائه شده است.

^۱Beck Depression Inventory

^۲Steer

^۳Garbin

^۴Basker

جدول ۱- ماتریس ضریب همبستگی متغیرهای سبک‌های

پردازش اطلاعات و خوش‌بینی، افسردگی و رضایت از زندگی در

دانشجویان (آزمون دو دامنه)

متغیر	شهودگرایی	خردگرایی	خوش‌بینی	افسردگی	رضایت از زندگی
شهودگرایی	۱				
خردگرایی	۰/۰۱	۱			
خوش‌بینی	۰/۰۸	۰/۴۰**	۱		
افسردگی	-۰/۰۶	-۰/۳۸**	-۰/۵۹**	۱	
رضایت از زندگی	۰/۰۲	۰/۴۲**	۰/۵۴**	-۰/۵۰**	۱

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود افسردگی با متغیرهای سبک‌های پردازش اطلاعات خردگرایی و هم‌چنین خوش‌بینی همبستگی منفی معنی‌داری دارد. رابطه‌ی رضایت از زندگی با سبک‌های پردازش اطلاعات خردگرایی و خوش‌بینی مثبت و معنی‌دار ولی با افسردگی منفی و معنی‌دار است. ضریب همبستگی بین خوش‌بینی و خردگرایی نیز مثبت و معنی‌دار می‌باشد. با این حال، رابطه‌ی بین شهودگرایی و دیگر متغیرها معنی‌دار نمی‌باشد.

برای تعیین سهم هر یک از متغیرهای سبک‌های پردازش اطلاعات (شهودگرایی و خردگرایی)، خوش‌بینی-بدبینی در پیش‌بینی افسردگی دانشجویان از تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی همزمان^۱ یا استاندارد^۲ استفاده شد. در رگرسیون چندگانه‌ی استاندارد، تمام متغیرهای پیش‌بین به طور همزمان وارد تحلیل می‌شوند و هر متغیر پیش‌بین بر اساس توان پیش‌بینی خودش

مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (۳۱،۳۲). تحلیل‌های مقدماتی به منظور اطمینان از عدم تخطی از مفروضه‌های نرمال بودن، خطی بودن، هم‌خطی و یکسانی پراکندگی انجام شد. مقادیر گزارش شده برای تحمل^۱ و عامل افزایش واریانس^۲ (VIF) در جدول ۲ و ۳ حاکی از آن است که از مفروضه‌ی هم‌خطی، تخطی نشده است (ارزش تحمل کمتر از ۰/۱ یا ارزش VIF بالای ۱۰ بیانگر تخطی از این مفروضه است).

هم‌چنین بررسی نمودار پراکنش و نمودار P-P نرمال^۳ و نمودار پراکنش پس‌مانده‌های استاندارد شده نشان داد که از مفروضه‌های نرمال بودن، خطی بودن و یکسانی پراکندگی تخطی نشده است.

در این پژوهش برای پیش‌بینی افسردگی دانشجویان با استفاده از روش رگرسیون چندگانه‌ی همزمان یا استاندارد، مدل معنی‌داری به دست آمد ($R^2=0/373$ ؛ $F_{(3, 155)}=30/698$ ؛ $P=0/0001$). جدول ۲ نیز سهم هر یک از متغیرهای وارد شده به مدل در پیش‌بینی افسردگی را نشان می‌دهد. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در این مدل تنها دو متغیر از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند.

از بین این دو متغیر، خوش‌بینی ارزش بتای بالاتری (۰/۵۲- =بتا، $P<0/0001$) در مقایسه با خردگرایی (۰/۱۶۹- =بتا، $P=0/016$) دارد. شهودگرایی سهم معنی‌داری در پیش‌بینی افسردگی دانشجویان ندارد.

جدول ۲- خلاصه‌ی نتایج ضرایب استاندارد و غیر استاندارد رگرسیون برای پیش‌بینی افسردگی دانشجویان

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		تی	معنی‌داری	آماره‌های چند هم خطی	
	B	خطای استاندارد	β				تحمل	VIF
(ثابت)	۶۲/۷۱۶	۶/۳۷۲			۹/۸۴۳	۰/۰۰۰۱		
شهودگرایی	-۰/۰۴۲	۰/۱۱۲	-۰/۰۲۴		-۰/۳۷۲	۰/۷۱۰	۰/۹۹۳	۱/۰۰۷
خردگرایی	-۰/۲۵۵	۰/۱۰۵	-۰/۱۶۹		-۲/۴۳۹	۰/۰۱۶	۰/۸۳۹	۱/۱۹۲
خوش‌بینی	-۱/۰۵۴	۰/۱۴۱	-۰/۵۲۰		-۷/۴۷۲	۰/۰۰۰۱	۰/۸۳۴	۱/۱۹۹

به دست آمد ($R^2=0/345$ ؛ $F_{(3, 155)}=25/597$ ؛ $P=0/0001$). جدول ۳ نیز سهم هر یک از متغیرهای وارد شده به مدل در پیش‌بینی رضایت از زندگی را نشان می‌دهد.

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود در مدل پیش‌بینی رضایت از زندگی دانشجویان تنها دو متغیر از لحاظ آماری

برای تعیین سهم هر یک از متغیرهای سبک‌های پردازش اطلاعات (شهودگرایی و خردگرایی)، خوش‌بینی-بدبینی در پیش‌بینی رضایت از زندگی دانشجویان نیز از تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی همزمان یا استاندارد استفاده شد. با استفاده از این روش برای پیش‌بینی رضایت از زندگی مدل معنی‌داری

^۱Tolerance^۲Variance Inflation Factor (VIF)^۳Normal P-P Plot^۱Simultaneous^۲Standard

معنی‌دار می‌باشند. از بین این دو متغیر، خوش‌بینی دارای ارزش بتای بالاتری ($\beta=0/453$ ، $P=0/001$) در مقایسه با خردگرایی ($\beta=0/235$ ، $P=0/002$) می‌باشد.

بحث

این پژوهش با هدف بررسی رابطه‌ی بین خوش‌بینی-بدبینی و

سبک‌های پردازش اطلاعات و هم‌چنین اثرات این متغیرها بر افسردگی و رضایت از زندگی دانشجویان انجام شد. همخوان با انتظارات، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که رابطه‌ی سبک‌های پردازش اطلاعات خردگرایی و خوش‌بینی با رضایت از زندگی، مثبت و معنی‌دار ولی با افسردگی منفی و معنی‌دار است.

جدول ۳- خلاصه‌ی نتایج ضرایب استاندارد و غیر استاندارد رگرسیون برای رضایت از زندگی دانشجویان

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		تی	معنی‌داری	آماره‌های چند هم خطی	
	B	خطای استاندارد	β				تحمل	VIF
(ثابت)	۵/۴۵۳	۳/۷۱۸			۱/۴۶۷	۰/۱۴۵		
شهودگرایی	-۰/۰۲۰	۰/۰۶۵	-۰/۰۲۱		-۰/۳۰۸	۰/۷۵۸	۰/۹۹۳	۱/۰۰۷
خردگرایی	۰/۱۹۷	۰/۰۶۱	۰/۲۳۵		۳/۲۱۹	۰/۰۰۲	۰/۸۳۹	۱/۱۹۲
خوش‌بینی	۰/۵۰۸	۰/۰۸۲	۰/۴۵۳		۶/۱۷۱	۰/۰۰۱	۰/۸۳۴	۱/۱۹۹

هم‌چنین رابطه‌ی بین رضایت از زندگی و افسردگی، منفی و معنی‌دار ولی خوش‌بینی و خردگرایی، مثبت و معنی‌دار بود. این یافته‌ها با نتایج بسیاری از پژوهش‌ها هم‌سو و همخوان است. برای مثال، چنگ و فارهی^۱ گزارش کرده‌اند که سبک خردگرایی به صورت معنی‌داری با خوش‌بینی ارتباط دارد (۳۳). نتایج پژوهش ماروتا^۲ و همکاران نیز حاکی از آن است که افراد بدبین نسبت به افراد خوش‌بین از سلامت روانی کمتری برخوردارند (۳۴).

مطالعات استراسل^۳ و همکاران نیز نشان داد که خوش‌بینی به طور منفی با افسردگی و به طور مثبت با رضایت از زندگی، سلامت جسمانی و روانی و وقوع کمتر اختلالات روانی و عزت نفس بالا رابطه دارد (۳۵). نتایج پژوهش پاسکار^۴ همکاران نیز رابطه‌ی منفی و معنی‌داری بین خوش‌بینی با افسردگی نشان داد (۳۶).

در جامعه‌ی ایرانی نتایج پژوهش آقایی و همکاران نشان داد که خوش‌بینی و بدبینی با سلامت روان و ابعاد آن (نشانه‌های بدنی، اضطراب، اختلال در عملکرد اجتماعی) و هم‌چنین بدبینی با افسردگی، رابطه‌ی معنی‌دار دارند (۱۴). بیرامی و همکاران نیز نشان دادند که خوش‌بینی، هیجان‌های مثبت، سبک پردازش اطلاعات خردگرایی و تجربه‌گرایی به طور معنی‌داری، سازگاری روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌کنند (۳۷).

بخش دیگری از نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان داد که متغیرهای خوش‌بینی و خردگرایی مقدار قابل توجهی از واریانس افسردگی و رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. سهم خوش‌بینی در پیش‌بینی هر دو اندازه‌ی سازگاری روان‌شناختی بالاتر از سبک پردازش اطلاعات خردگرایی بود. از این رو، با وجود برخی هم‌پوشی‌های مفهومی و تجربی بین خوش‌بینی و سبک‌های پردازش اطلاعات به نظر می‌رسد اثرات آن‌ها بر سازگاری روان‌شناختی قابل تمیز است. در واقع، یافته‌های پژوهش حاضر بیان می‌کند که در پیش‌بینی سازگاری روان‌شناختی، خوش‌بینی نسبت به سبک‌های پردازش اطلاعات، ارزش بیشتری دارد. عموم مردم، خوش‌بینی را با در نظر گرفتن نیمه‌ی پر لیوان یا عادت به انتظار پابانی خوش برای هر دردسر واقعی تداعی می‌کنند. بر اساس نظر سلگمن^۵ خوش‌بینی، مزایای متعددی دارد. این صفت کمک می‌کند تا فرد در برابر افسردگی که منجر به شکست و وقایع ناگوار زندگی می‌شود ایستادگی کند. از این رو این ویژگی به فرد کمک می‌کند تا در مقایسه با آن چه دیگران از او انتظار دارند، موفقیت بیشتری در زندگی و محیط کاری و ... به دست بیاورند (۳۸).

هم‌چنین مطالعه‌ی حاضر نشان داد که علاوه بر خوش‌بینی، سبک پردازش اطلاعات خردگرایی نیز در پیش‌بینی افسردگی

^۱Chang and Farrehi

^۲Maruta

^۳Strassle

^۴Puskar

^۵Seligman

و رضایت از زندگی، نقش دارد. بر اساس نظر اپستین، سبک خردگرایی سطوح بالایی از منابع شناختی را می‌طلبد و بیشتر تحلیلی و آگاهانه بوده که از طریق قوانین منطقی استنتاج، عمل می‌کند (۱۳). همان طور که قبلاً نیز اشاره شد این نظام، رفتارها را از طریق ارزیابی آگاهانه‌ی رویدادها میانجی‌گری می‌کند، بنا بر این دور از انتظار نیست که این نوع پردازش اطلاعات، اثر بازدارندگی برای افسردگی و برای رضایت از زندگی، اثر مثبتی داشته باشد.

لازم به ذکر است که مطالعه‌ی حاضر با چندین محدودیت مواجه بود. نخست این که بر روی دانشجویان دانشگاه انجام گرفت، بنابراین نتایج آن را نمی‌توان به جامعه‌های دیگر (برای مثال نمونه‌های بالینی، افسرده‌تر، مضطرب‌تر و ...) تعمیم داد. از این رو ضروری است پژوهش حاضر با نمونه‌های بالینی و همچنین در صورت امکان با استفاده از ابزارهای دیگر تکرار شود. دوم این که در مطالعه‌ی حاضر تنها دو شاخص سازگاری روان‌شناختی یعنی رضایت از زندگی و افسردگی مورد بررسی قرار گرفته است. سبک‌های پردازش اطلاعات ممکن است با متغیرهای روان‌شناختی دیگر از قبیل اضطراب، خشم و عزت نفس نیز ارتباط معنی‌داری داشته باشند. بنابراین ضروری است تعیین شود که آیا خوش‌بینی و بدبینی و سبک‌های پردازش

اطلاعات عوامل پیش‌بین معتبری برای این شاخص‌های سازگاری هستند یا نه. افزون بر این به خاطر وجود تفاوت‌های فرهنگی در خوش‌بینی و بدبینی بهتر است در تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش حاضر به جوامع، قومیت‌ها و نژادهای دیگر احتیاط کرد. در نهایت این که با وجود باور عمیق بر ثبات ویژگی‌های خوش‌بینی و بدبینی در افراد، بررسی متغیرهای پژوهش حاضر در دوره‌های زمانی مختلف، ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

در کل نتایج پژوهش حاضر هم‌خوان با نتایج پژوهش‌های قبلی نشان دادند که خوش‌بینی و خردگرایی در پیش‌بینی افسردگی و رضایت از زندگی نقش دارند.

این متغیرها در پیش‌بینی افسردگی دارای ارزش بتای منفی ولی در پیش‌بینی رضایت از زندگی دارای ارزش بتای مثبت بودند. با این حال، سهم خوش‌بینی در پیش‌بینی هر دو متغیر ملاک بیشتر از سبک پردازش اطلاعات خردگرایی بود. این نتایج حاکی از آن است که متغیرهای خوش‌بینی و سبک پردازش اطلاعات خردگرایی در سازگاری روان‌شناختی نقش مهمی دارند و مشاوران، درمانگران و پژوهشگران باید بر اهمیت و نقش آن‌ها در ارتقای سلامت روانی و بهبود سازگاری روان‌شناختی، توجه ویژه داشته باشند.

References

1. Chang EC. Optimism and pessimism: Implications for theory, research, and practice. Washington, DC: American Psychological Association; 2001: 1-13.
2. Scheier MF, Carver CS. Optimism, coping, and health: Assessment and implications of generalized outcome expectancies. *Health Psychol* 1985; 4: 219-47.
3. Scheier MF, Carver CS. Effects of optimism on psychological and physical well-being: Theoretical overview and empirical update. *Cognit Ther Res* 1992; 16: 201-28.
4. Scheier MF, Carver CS, Bridges MW. Optimism, pessimism, and psychological well-being. In: Chang EC. (editor). Optimism and pessimism: Implications for theory, research, and practice. Washington, DC: American Psychological Association; 2001: 189-216.
5. Chang EC. Distinguishing between optimism and pessimism: A second look at the optimism-neuroticism hypothesis. In: Hoffman RR, Sherrik MF, Warm JS. (editors). Viewing psychology as a whole: The integrative science of William N. Dember. Washington, DC: American Psychological Association; 1998: 415-32.
6. Chang EC, D'Zurilla TJ, Maydeu-Olivares A. Assessing the dimensionality of optimism and pessimism using a multimeasure approach. *Cognit Ther Res* 1994; 18: 143-60.
7. Chang EC, Maydeu-Olivares A, D'Zurilla TJ. Optimism and pessimism as partially independent constructs: Relations to positive and negative affectivity and psychological well-being. *Pers Individ Dif* 1997; 23: 433-40.

8. Marshall GN, Wortman CB, Kusulas JW, Hervig LK, Vickers RR. Distinguishing optimism from pessimism: Relations to fundamental dimensions of mood and personality. *J Pers Soc Psychol* 1992; 62: 1067-74.
9. Mroczek DK, Spiro A, Aldwin CM, Ozer DJ, Bosse R. Construct validation of optimism and pessimism in older men: Findings from the normative aging study. *Health Psychol* 1993; 12: 406-9.
10. Peterson C. Optimistic explanatory style and health. In: Gillham JE. (editor). *The science of optimism and hope: Research essays in honor of Martin E P. Seligman*. Philadelphia: Templeton Foundation; 2000: 145-62.
11. Snyder CR. *Handbook of hope: Theory, measures, and applications*. San Diego, Calif: Academic; 2000: 359-60.
12. Taylor SE, Kemeny ME, Reed GM, Bower JE, Gruenewald TL. Psychological resources, positive illusions, and health. *American psychologist* 2000; 55: 99-109.
13. Mousavi Nasab SMH, Taghavi SMR, Mohammadi N. [Optimism and stress appraisal: Evaluation of two theoretical models in prediction of psychological adjustment]. *Journal of Kerman University of Medical Sciences* 2006; 13(2): 111-20. (Persian)
14. Agaei A, Raesie Dehkordi R, Atash Poor SH. [The relationship between optimism and pessimism with mental health in Isfahan city adults]. *Knowledge and research in psychology* 2007; 33: 117-30. (Persian)
15. Sloman SA. The empirical case for two systems of reasoning. *Psychol Bull* 1996; 119: 3-22.
16. Chaiken S, Trope Y. *Dual-process theories in social psychology*. New York: Guilford; 1999: 12-40.
17. Smith ER, De Coster J. Dual process models in social and cognitive psychology: Conceptual integration and links to underlying memory systems. *Pers Soc Psychol Rev* 2000; 4: 108-31.
18. Epstein S. Integration of the cognitive and the psychodynamic unconscious. *American psychologist* 1994; 49: 709-24.
19. Epstein S, Pacini R, Denes-Raj V, Heier H. Individual differences in intuitive-experiential and analytical-rational thinking styles. *J Pers Soc Psychol* 1996; 71: 390-405.
20. Pacini R, Epstein S. The relation of rational and experiential information processing styles to personality, basic beliefs and the ratio-bias phenomenon. *J Pers Soc Psychol* 1999; 76: 972-87.
21. Epstein S, Pacini R. Some basic issues regarding dual-process theories from the perspective of cognitive-experiential self-theory. In: Chaiken S, Trope Y. (editors). *Dual process theories in social psychology*. New York: Guilford; 1999: 462-82.
22. Burns LR, D'Zurilla TJ. Individual differences in perceived information processing styles in stress and coping situations: Development and validation of the perceived modes of processing inventory. *Cognit Ther Res* 1999; 23: 345-71.
23. Rezaei A. [Investigating factorial structure and reliability of the intuitive-rational information processing styles inventory in the university students population]. *Journal of research in behavioural sciences* 2012; 10(1): 20-9. (Persian)
24. Handley SJ, Newstead SE, Wright H. Rational and experiential thinking: A study of the REI. In: R. J. Riding RJ, Rayner SG. (editors). *International perspectives on individual differences*. Stanford: Ablex; 2000: 97-113.
25. Toyosawa J, Karasawa K. Individual differences on judgment using the ratio-bias and the Linda problem: Adopting CEST and Japanese version of REI. *Japanese journal of social psychology* 2004; 20(2): 85-92.
26. Sladek RM, Bond MJ, Phillips PA. Age and gender differences in preferences for rational and experiential thinking. *Pers Individ Dif* 2010; 49(8): 907-11.
27. Carter P. *Test your EQ: Assess your emotional intelligence with 20 personality questionnaires*. USA and UK: Kogan Page; 2009: 76- 84.
28. Beck AT, Steer RA, Garbin MG. Psychometric properties of the Beck depression inventory: Twenty-five years of evaluation. *Clin Psychol Rev* 1988; 8(1): 77-100.
29. Basker M, Prabhakar D, Moses PD, Russell S, Swamidhas P, Russell S. The psychometric properties of beck depression inventory for adolescent depression in a primary-care paediatric setting in India. *Child Adolesc Psychiatr Ment Health* 2007; 1: 8.

30. Bayani AA, Mohammad Koocheky A, Goodarzi H. The reliability and validity of the satisfaction with life scale. *Journal of Iranian psychologists* 2007; 11: 259-65.
31. Sarmad Z, Bazargan A, Hejazi E. [Research methods in behavioral sciences]. Tehran: Agah; 1997: 93-4. (Persian)
32. Pallant J. SPSS survival manual: A step by step guide to data analysis using SPSS. 4th ed. New York: Open University; 2010: 148-68.
33. Chang EC, Farrehi AS. Optimism/pessimism and information-processing styles: Can their influences be distinguished in predicting psychological adjustment. *Pers Individ Dif* 2001; 31: 555-62.
34. Maruta T, Colligan RC, Malinchoc M, Offord KP. Optimism/pessimism assessed in the 1960s and self-reported health status 30 years later. *Mayo Clin Proc* 2002; 77(8): 748-53.
35. Strassle CG, McKee EA, Plant DD. Optimism as an indicator of psychological health: Using psychological assessment wisely. *Journal of personality assessment* 1999; 12: 190-9.
36. Puskar KR, Sereika SM, Lamb J, Tusaie-Mumford K, McGuinness T. Optimism and its relationship to depression, coping, anger, and life events in rural adolescents. *Issues Ment Health Nurs* 1999; 20: 115-30.
37. Bayrami M, Hashemi Nosrat Abadi T, Alizadeh Ghoradela J, Daneshfara S, Heshmatib R, Moslemifarc M. The role of positive and negative affectivity, optimism, pessimism, and information processing styles in student psychological adjustment. *Procedia Soc Behav Sci* 2012; 46: 306-10.
38. Seligman MEP, Reivich K, Jaycox L, Gillham J. The optimistic child: A proven program to safeguard children against depression and build lifelong resilience. New York: Harper Collins; 1995: 1-9.